

گزارش مختصری از مراسم با شکوه سوگواری برای رفیق مہپاره آہنی در ہند



ہمانطور کہ قبلن بہ اطلاع رساندہ بودیم رفیق مہپارہ آہنی در اثر بیماری سرطان در 20 ژوئیہ بدرود حیات گفت و ہمہ نزدیکان و یارانہش را در غم فرو برد.

روز شنبہ 22 ژوئیہ مراسم با شکوہ سوگواری برای رفیق مہپارہ در آلمیرہ با حضور بیش از 450 نفر برگزار گردید. این مراسم از ویژہ گیہای خاصی برخوردار بود. زنی از تبار کرد و عاشق ایران و یکپارچگی این سرزمین کهن ، زنی مبارز و میہندوست و عاشق سوسیالیسم و برابری و سرشار از خشم و نفرت علیہ استثمار سرمایہ داری و امپریالیستی و تجاوزگری و استعمار و میلیتاریسم افسارگسیختہ، پس از نبرد طولانی سرانجام ناچار شد آگاہانہ " بہ استقبال مرگ" برود و بہ زندگی اش پایان دہد. اتخاذ چنین تصمیم سہمگین و سختی و تعیین روز مرگ و در عین حال لبخند زدن و بہ چالش گرفتن مرگ از ویژہ گیہای زندگی و پایان زندگی پر بار مہپارہ بود.

مهیپاره سوای آرمان وایدنولوژی اش ازویژه گیهای خاص شخصی نیز برخوردار بود. وی با سیمای زیبا وپیرمهرش، با شخصیت متین و فروتنانه اش، با دست و دلبازی و بزرگمنشی اش، بلندنظری اش، بزرگواری اش، بلندهمتی اش، عزت نفس اش ووالاهمتی اش از کاریزمای خاصی برخوردار بود که هرانسان با اولین دیدار شیفته شخصیت و مرام اومی شد. شرکت بیش از 450 نفر در این مراسم بدون کمترین تبلیغ و آگهی قبلی حکایت از نفوذ معنوی این زن مبارزو کمونیست در بین مردم دارد.

ازدیگر ویژه گیهای این مراسم این بود که مهیپاره خودش در برنامه ریزی، درانتخاب موزیک، در انتخاب غذا و شیرینی، درانتخاب لباس پس از مرگش.... شرکت فعال داشت. وی پیراهن زیبایی با رنگ سرخ را برای خودش به خیاط سفارش داده بود. وی شراب و نوشیدنیهایی متنوعی را برای پذیرایی میهمانان سفارش داده بود و تاکید کرده بود که مراسم مرگ او مراسم سوگواری نخواهد بود. مراسم همبستگی و امید به زندگی و دوست داشتن و عاشق زیستن است. از همین روی تاکید داشت که دوستان و یارانش در این مراسم بنوشند، شاد باشند و از عشق به زندگی و برابری و عاشقانه زیستن سخن بگویند.

مراسم یاد بود مهیپاره برخلاف سنتهای معمول مراسمی در خود و برای خود نبود. مراسمی بود با روح همبستگی و یگانگی و صمیمیت و جلوه ای از روح انترناسیونالیستی که همه انسانها از کرد و آذری، و افغانی و هندی و هلندی و ترک و عرب و آفریقایی.... با تعلقات ملی و تنوع زبانی و گویشهای مختلف شرکت داشتند. در این مراسم ایرانیانی با تعلقات سازمانی و سیاسی مختلف شرکت کرده و با مهیپاره و خانواده او ابراز همبستگی نمودند. این مراسم نماد و تبلوری بود از ارتباطات ملی و فرا ملی رفیق مهیپاره در طول حیات مبارزاتی اش. مهیپاره نشان داد که سرشت انسان دوستی و میهن دوستی اش با اصل انترناسیونالیستی عجین بود. او زنی آگاه و پیشرو و الگوی بسیاری از زنان ایران بود.

رفیق مهیپاره مادرش کرد بود و پدرش آذری و همسرش نیز از خطه آذربایجان. مهیپاره اما همواره تعلقات طبقاتی را بر تعلقات ملی ارج میشمرد، عاشق ایران بود و برای ایرانی سوسیالیستی و برای محو استثمار، و برای تساوی حقوق خلقها و اقوام مختلف ایران می رزمید و از هیچ کوششی برای تحقق یک ایران آزاد و آباد و شکوفان دریغ نمی کرد.

مراسم با یک دقیقه سکوت آغاز شد. رفیق مسعود همسر رفیق مهیپاره سخنرانی زیبایی را در وصف شخصیت مهیپاره، در زندگی مبارزاتی مشترک با او، در انسان دوستی او، در کردار و رفتار او، درافت و خیزهای زندگی و در خوشبینی او به زندگی بیان داشت و در پایان با کف زدنهای حضار روبرو شد. وی در قسمتی از سخنرانی اش چنین گفت:

" مهیپاره حاصل ازدواج دختری زیبا از خطه کردستان با جوانی برومند از خطه آذربایجان است. چقدر زیباست آمیزش خلقها و چقدر پرتوان است برای استقلال و یکپارچگی کشور عزیزمان ایران". طبیعتا مهیپاره زنی بود که شهامت و طغیانگری و روحیه مبارزه جویی را از این دوتبار به ارث برده بود. وی در شانزده سالگی با کتابهای صمد بهرنگی آشنا میشود و داستانهای صمد خمیره شورشگری مهیپاره را ورز می دهد و شمعی روشن میشود که تا به امروز رقص نورش ادامه داشت. مهیپاره تابو شکن بود. مهیپاره با شرکت در انقلاب بهمین 57 بر علیه تعلق طبقاتی اش طغیان کرد و به همراه برادرش پا به میدان ها میگذارد. چنین فرزندان شورشگری برای پدری که مقام بالایی در ارتش نظام داشت قابل تحمل نبود می بایست با خانه پدری ودا کنند."

" مهیپاره انسانی با چند نکته استثنایی است. او یکی از نادرترین عروسها باید باشد که ماه غسلش یک روز طول کشید. روز دوم بایستی اطلاعیه ای تایپ میکرد و با جوراب های عروس خاتم چاپ ویتنامی درست می شد. "انقلاب فرهنگی" رژیم آغاز شده بود. زمان برگشت از شیراز به تهران آرایش چهره قشنگش آلوده به مرکب سیاه دستگاه چاپ بود".....

" قلب مهیپاره مملو از عشق به کودکان، کمک به کودکان یتیم و عشق به پا پتی ها و دریک کلام عشق به انسان و کرامت انسانی بود. آرمانش استقرار جامعه ای آزاد با عدالت اجتماعی بود که تنها در یک نظام سوسیالیستی محقق میشد. "...وی از جنگ و خون ریزی، تجاوزات امپریالیستی و نفرت داشت. تجاوز به سوریه را که جان هزاران کودک را گرفت محکومت می کرد. بمباران سوریه توسط آمریکا را که به بهانه های مختلف صورت گرفته است، محکوم میکرد..."

"مهیپاره همانطور که عاشق انسان وانسانیت بود، نفرت و خشم طبقاتی نیز داشت. نفرت بیکران اواز امپریالیستها و رژیم جمهوری اسلامی حد و مرزی نداشت. علیرغم ضعف جسمانی با رفقای میز کتاب آمستردام به فرانسه سفر کرد تا علیه حسن روحانی و زد و بند با امپریالیسم فرانسه افشاگری کند و صدای مردم ایران را به گوش جهانیان برساند."

"مهیپاره همیشه انسانی امیدوار بود، شیک می پوشید، در جمع دوستان شادی و پایکوبی به راه می انداخت و میگفت ما باید نشان دهیم که هدف ما جامعه ای است که در آن همگان، بویژه کارگران و زحمتکشان بتوانند از نعمات زندگی بهره مند شوند. غم و غصه و استئمار باید از روی زمین برچیده شود"

"مهیپاره وقتی گزارش دکلمه شعر برشت توسط رفیقی در جشن صدمین سالگرد انقلاب اکتبر و تجلیل از میراث جنبش کمونیستی که توسط رفقای حزب کار ایران (توفان) در 27 ماه مه 2017 در آلمان برگزار گردید و برای اوبه اجرا درآمد را خواند، بینهایت شاد شد و گفت نمی دایم چه کار بزرگی کردم، چه سنگی روی سنگ گذاشتم که رفقا اینهمه از من تجلیل بعمل می آورند.".....

"مهیپاره در آخرین روزهای حیاتش سفارش کرده بود که در مراسم گل نیاورند. مبلغ گلها را در صندوقی بیاندازند و در اختیار خانواده های زندانی و کارگرانی که در راه تحقق مطالباتشان به زندان افکنده شدند، برسانند، شاید که مرحمی باشد برای استخوان لای زخم این عزیزان".

"در خاتمه باید بگویم که بقول عزیزی، مهیپاره همان مرغ آتش ققنوس است که آتش عشق انساندوستی و کرامت انسانی اش با آتش جسمش لحظاتی دیگر در هم خواهد آمیخت..... یادش گرامی، راهش پر رهرو باد!"

پس از سخرانی نوبت به آقای علی صفویان هنرمند و آموزگار موسیقی رسید که با سخنانی کوتاه و ادای احترام و ابراز همدردی، چند ترانه انتخابی رفیق مهیپاره را با صدای گرم و دلنشینش به اجرا درآورد و مورد استقبال حضار قرار گرفت.

سپس رفیق نماینده حزب کار ایران (توفان) پیام حزب را قرائت نمود. در بخشی از این پیام چنین آمد:

رفیق مهیپاره انسان دوست داشتی، رؤف و گشاده رویی بود. و به قول سهراب سپهری از اهالی امروز بود، و با تمام افق های باز نسبت داشت و "لحن آب و زمین را چه خوب می فهمید". قلبی از تپش افتاد که مالا مال از عشق و محبت به دوستان و یاران و در یک کلام عشق به انسان بود. لبخندی از لبان فرو افتاد که امید و خوشبینی به زندگی و آینده تابناک بشری را که با محور نابراییهای اجتماعی و طبقاتی همراه است، نوید می داد و الهامبخش دوستان و رفقا و یارانش بود. "رفیق مهیپاره به حزبش، حزب کار ایران (توفان) وفادار بود از هیچ مساعدت مالی به خانواده جانبختگان سیاسی و کارگرانی که برای احقاق حقوق خود، اضافه دستمزد، حق تشکیل سندیکای مستقل کارگری و آزادی بیان و قلم و اجتماعات به زندان افکنده شدند، دریغ نمی کرد. همبستگی با کارگران و خلقهای دربند جهان و مبارزه با تجاوزات امپریالیستی و استعماری نیز در سرشت انساندوستی و انترناسیونالیستی او بود. ما فعالیتها و خدمات ارزشمند سیاسی رفیق مهیپاره به حزب و خانواده های زندانیان سیاسی را ارج گذاشته و یاد و خاطره اش را همواره گرامی میداریم. حزب ما این ضایعه بزرگ را به رفیق مسعود همسر وی و تک تک اعضای خانواده او تسلیت می گوید و برایشان صبر و آرامش و پایداری آرزو میکند."

از طرف نماینده رفقای کمیته میز کتاب آمستردام که تشکلی دموکراتیک و ضد امپریالیستی و با همکاری هواداران چند سازمان و از جمله هواداران حزب ما و فعالین چپ و دموکرات تشکیل شده است، پیامی قرائت شد. در بخشی از این پیام چنین آمد:

"مهیپاره عزیز، رفیقی که سالیان متمادی، با آرمانهای انسانی و آزادیخواهانه و سوسیالیستی زیست و برای تحقق آنها تلاش کرد، از میان ما رفت. عزیزی که قلبش همیشه برای زحمتکشان، برای ستمدیدگان و برای هر آنکس که احتیاج به یاری داشت می تپید، از میان ما رفت. عزیزی که خندههایش، امید می داد و لطف و مهربانی اش قلبهای ما را آرامش می بخشید، از میان ما رفت. مهیپاره برای ما که او را از نزدیک می شناسیم، نامی فراموش ناشدنی است، انسانی که خاطرات فراموش ناشدنی را در ذهنهای ما حک کرد، از جمع ما رفت. مهیپاره رفیقی که حضورش در برنامه های کمیته میز کتاب آمستردام همیشه پر رنگ و درخشنده و خاطره انگیز بود، بخصوص که در اوان بیماری و در یکی از برنامه ها میزبانی و میهمان نوازی اش، به تمامی انسان نوازانه بود. او در آخرین روزهای عمرش، که با مرگ همچون

رفیقی مانوس مشورت می‌کرد، که کی با او همراهی می‌کند، احساس‌هایی را در ما آفرید که صفایش در کلمات نمی‌گنجد.

در آخرین دیداری که همه‌ی دوستان کمیته میزکتاب آمستردام با او داشتیم، موقعی که من نزدیک‌اش شدم تا دست‌های مهربانش را ببوسم، چشم‌های خسته‌اش را باز کرد و کلماتی بر زبان آورد که حقیقتاً وجودم را لرزاند. او در حالی که سمبلی از وحدت را به من هدیه می‌داد، به زبان ترکی گفت: **مجید بن سیزی ناسیل اونوتاجیم** (مجید من چگونه می‌توانم شماها را فراموش کنم.) در حالی که او داشت ما را ترک می‌کرد.

مهپاره از آن انسان‌هایی بود که از دورنگی‌ها گذر کرده بود، و آنچه که در او بود، خوبی بود. محتوایی که خود آن را کسب کرده بود. او انسان برجسته، همسر و مادری فداکار، و یک سوسیالیستی بود که تا لحظه‌ی مرگ و در لحظاتی که همه‌ی راه‌های بهبودی به روی وی بسته شده بود، استوار بود. و حقیقتاً خودش بود. و از این جا مشخص می‌شد که سوسیالیزم برای او یک عقیده نبود، یک ذهنیت نبود، بلکه عین حیات و زندگی و چگونه بودن و چگونه زیستن بود. زیرا او در بستری آزاد، و بی‌ریا و عدالتخواهانه رشد کرده بود و این چنین از میان ما رفت. سفر او برای ما یک فقدان عظیم و غمی است سنگین که سرپای وجودمان را فرا گرفته است. او اسم‌اش مهپاره بود، پاره‌ای از ماه، که به پرواز در آمد. آسمان مظهر پرواز و رهایی انسان است، او مشتاق آسمان بود و مشتاق پرواز. سفر او در ما عشق را، دوست داشتن را، صداقت را و همدلی را تقویت کرد."

در پایان شرکت کنندگان در این مراسم برای آخرین دیدار با رفیق مهپاره از کنار تابوت سرباز، که وی در آن با لباس زیبای سرخش آرمیده بود گذشتند و با ادای احترام با او خداحافظی کردند.

پیامهای تسلیت فراوانی از شهرها و کشورهای مختلف دریافت شد که بخاطر صفحات محدود نشریه امکان انتشار آنها نمی‌باشد. همینطور پیامهایی از طرف برخی نیروهای انقلابی به رفیق مسعود ارسال شد که وی خود جداگانه ضمن انتشار اطلاعیه‌ای در فیسبوک مهپاره از همه دوستان و یاران تشکر کرد.

درضمن قابل ذکر است که کمک‌های مالی قابل توجهی به صندوق ریخته شد که طبق خواست رفیق مهپاره در اختیار خانواده زندانیان سیاسی و فعالین کارگری قرار خواهد گرفت.

نقل از توفان الکترونیکی شماره 133 نشریه الکترونیکی حزب کارایران مرداد ماه 1396

www.toufan.org

لینک چند وبلاگ حزبی

وبلاگ توفان قاسمی

<http://rahatoufan67.blogspot.se/>

وبلاگ ظفر سرخ

<http://kanonezi.blogspot.se/>

آگاه وبلاگ کارگر

<http://www.kargareagah.blogspot.se/>

توفان اینترنتی سایت کتابخانه

<http://toufan.org/ketabkane.htm>

توفان سایت آرشیو نشریات

http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm

توفان در توئیتر

<https://twitter.com/toufanhezbkar>

فیسبوک توفان در

<https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>

انگلیسی زبان توفان در فیسبوک به

<https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts>

توفان در شبکه تلگرام

<https://telegram.me/totoufan>